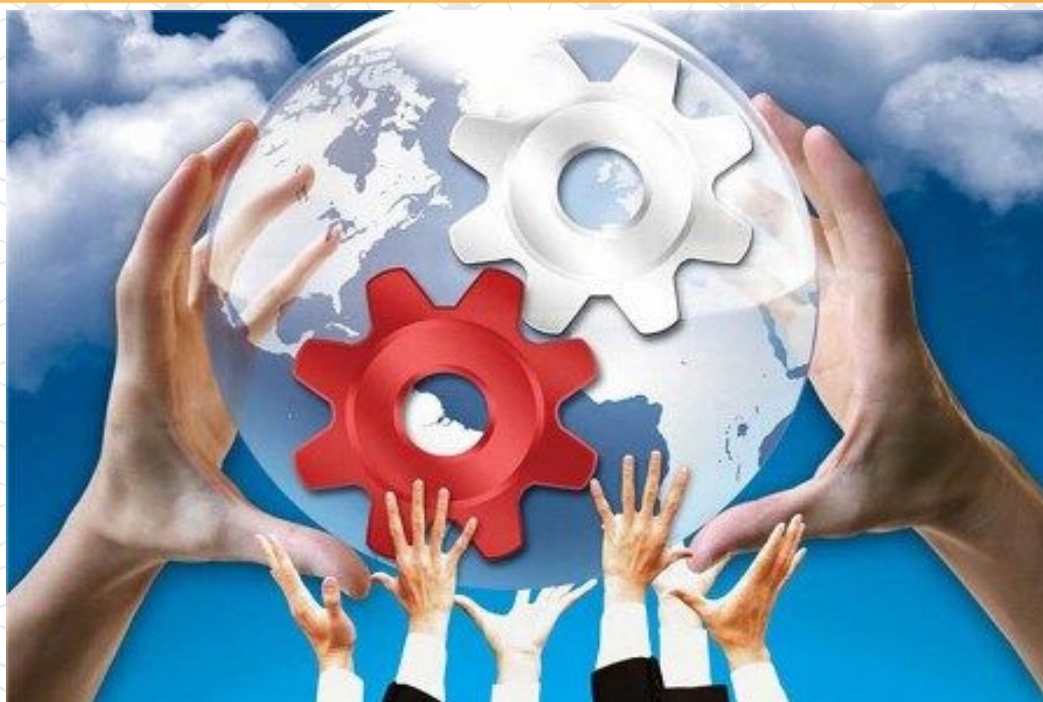


نحوه انتقال دارایی‌های فکری و حق بهره‌برداری از آنها از دستگاه‌های اجرایی به بخش خصوصی (در راستای ماده (۵) قانون جهش تولید دانش‌بنیان)



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شماره مسلسل: ۱۹۳۸۴

کد موضوعی: ۳۱۰



مرکز پژوهش‌های
مجلس شورای اسلامی

تاریخ انتشار:

۱۴۰۲/۸/۲۰

عنوان گزارش:

نحوه انتقال دارایی‌های فکری و حق بهره‌برداری از آنها از دستگاه‌های اجرایی به بخش
خصوصی (در راستای ماده (۵) قانون جهش تولید دانش بنیان)

نام دفتر:

مطالعات انرژی، صنعت و معدن (گروه فناوری‌های نوین)

تهیه و تدوین کنندگان:

سهیلا خردمندنیا، مرتضی براتی

ناظران علمی:

حبیب‌اله ظفریان، سعید شجاعی

اظهار نظر کنندگان:

حسین نصیری (گروه آموزش عالی، تحقیقات و فناوری)،
محمد شکوری (گروه حقوق خصوصی)

گرافیک و صفحه آرایی:

نفیسه حاجی صفری

ویراستار ادبی:

سیده مرضیه موسوی راد

واژه‌های کلیدی:

۱. مالکیت فکری

۲. قانون جهش تولید دانش بنیان

۳. انتقال دارایی‌های فکری

۴. تجاری‌سازی



فهرست مطالب

۶	چکیده
۷	خلاصه مدیریتی
۸	۱. مقدمه
۱۲	۲. نقش مالکیت فکری در نظام نوآوری
۱۳	۳. قوانین و مقررات مربوط به واگذاری یا انتقال حق مالکیت دستاوردهای پژوهشی و دارایی‌های فکری
۱۵	۴. ابهامات و چالش‌های اجرای ماده (۵) قانون جهش تولید دانش بنیان
۱۷	۵. جمع بندی و پیشنهادها
۱۹	منابع و مآخذ

فهرست شکل

۱۲	شکل ۱. مراحل نظام نوآوری
۱۳	شکل ۲. جایگاه حمایت از مالکیت فکری در نظام ملی نوآوری
۱۴	شکل ۳. ساختار ماده (۵) قانون جهش تولید دانش بنیان مصوب سال ۱۴۰۱
۱۵	شکل ۴. ساختار کلی آیین‌نامه اجرایی ماده (۵) قانون جهش تولید دانش بنیان



نحوه انتقال دارایی‌های فکری و حق بهره‌برداری از دستگاه‌های اجرایی به بخش خصوصی (در راستای ماده (۵) قانون جهش تولید دانش بنیان)

چکیده



واحدهای صنعتی و افراد حقیقی مورد بررسی قرار گرفته است. به نظر می‌رسد اجرای این حکم به دلایلی از جمله ابهام در فلسفه واگذاری‌ها، تفسیرپذیری حکم، نبود ضمانت اجرایی و مهم‌تر از عدم شفاف بودن نقش، سهم و منافع دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی در اتصال سه ضلع دستگاه اجرایی، نهاد پژوهشی (به‌عنوان نهادی که بیش از ۸۰ درصد قرار دادهای تحقیقاتی دستگاه‌های اجرایی با آنها منعقد می‌شود) و بخش خصوصی با چالش زیادی مواجه باشد. لذا پیشنهاد می‌شود در اقدام کوتاه‌مدت در قالب تصحیح آیین‌نامه اجرایی آن، برخی ایرادها، رفع شده و در اقدام بلندمدت، تصحیح ماده (۵) این قانون با محوریت اعطای مالکیت دارایی‌های فکری تأمین مالی شده نهادهاى دولتی به دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی به شرط رعایت برخی الزامات و چارچوب‌ها صورت گیرد.

حمایت از حقوق مالکیت فکری و تجاری‌سازی دارایی‌های فکری در تحقق جهش تولید و اقتصاد دانش بنیان اهمیت دارد. در این میان نحوه انتقال دارایی‌های فکری و بهره‌برداری از آنها نقش مهمی در تسهیل تجاری‌سازی خواهد داشت. در دنیا با توجه به قوانینی مانند بای-دال، حق مالکیت دارایی‌های فکری با تأمین مالی نهادهاى دولتی، با رعایت الزاماتی از قبیل ثبت اختراع توسط مالک حقوقی اختراع (با تمرکز بر دانشگاه) اولویت تجاری‌سازی اختراع توسط کسب‌وکار کوچک و امکان کسب منفعت پدیدآورنده و مخترع در کنار مالک اختراع، به دریافت‌کننده پروژه‌های تحقیقاتی واگذار می‌شود. در این گزارش، با نگاهی به ماده (۵) قانون جهش تولید دانش بنیان، نحوه انتقال دارایی‌های فکری و حق بهره‌برداری از آنها از دستگاه‌های اجرایی به بخش خصوصی شامل شرکت‌های دانش بنیان و فناوری،

« خلاصه مدیریتی

بیان / شرح مسئله

مالکیت فکری یکی از مهم‌ترین نوع دارایی‌های نامشهود است که در حوزه‌های مختلف از جمله حق اختراع، طرح صنعتی، آثار علمی، ادبی و هنری مطرح است. این نوع دارایی، دارای دو نوع مالکیت مادی و معنوی است که حقوق مادی به کارفرما و حقوق معنوی به پدیدآورنده تعلق دارد. در موارد زیادی برای دستیابی به منافع مادی نیاز به بهره‌برداری و تجاری‌سازی آن دارایی فکری وجود دارد. این در حالی است که در کشور ما کمتر از ۱۰ درصد اختراعات ثبت شده مراحل تجاری‌سازی را طی می‌کند. از این رو در احکام و قوانین کشور تسهیل مسیر تجاری‌سازی دارایی‌های فکری دولتی، از منظر انتقال حقوق مالکیت و بهره‌برداری از آنها به نهادهایی که قابلیت تجاری‌سازی داشته باشند دنبال شده است. از جمله این احکام قانونی می‌توان به تبصره «۲» بند «و» ماده (۱۷) قانون برنامه پنجم توسعه و همچنین بند «خ» ماده (۶۴) قانون برنامه ششم اشاره کرد که به دستگاه‌های اجرایی اجازه داده شد تا مالکیت فکری، دانش فنی و تجهیزاتی را که در چارچوب قرارداد با دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی و فناوری دولتی ایجاد شده است به دانشگاه‌ها و مؤسسات یاد شده واگذار کنند. این حکم الگویی از قانون موسوم به بای-دال تدوین شده توسط آمریکا و سپس سایر کشورها مثل ژاپن است که براساس آن دریافت‌کنندگان پروژه‌های تحقیقاتی (دانشگاه و هیئت علمی عضو آن) می‌توانند مالکیت دارایی‌های فکری با تأمین مالی نهادهای دولتی را با رعایت الزاماتی از قبیل ثبت اختراع توسط دانشگاه (و نه شخص حقیقی) اولویت تجاری‌سازی اختراع توسط کسب و کار کوچک و امکان کسب منفعت پدیدآورنده و مخترع در کنار مالک اختراع، حفظ کنند.

اخیراً ماده (۵) قانون جهش تولید دانش بنیان مصوب سال ۱۴۰۱ نیز به دستگاه‌های اجرایی و دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی اجازه واگذاری تمام یا بخشی از دارایی‌های فکری و بهره‌برداری از آن را به بخش خصوصی داده است. گزارش پیش‌رو به بررسی این ماده و چالش‌های اجرایی شدن آن پرداخته است.

نقطه‌نظرات / یافته‌های کلیدی

وفق ماده (۵) قانون جهش تولید دانش بنیان و آیین‌نامه اجرایی آن، دستگاه‌های اجرایی، دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی مجازند تمام یا بخشی از دارایی فکری خود را جهت بهره‌برداری و تجاری‌سازی به شرح زیر واگذار کنند:

- واگذاری تمام یا بخشی از دارایی فکری، دستاورد پژوهشی و حق بهره‌برداری از آن به تشخیص و تأیید بالاترین مقام مسئول،
 - لزوم اخذ رضایت کتبی مؤلفین، مخترعین، پدیدآورندگان و دارندگان حق (پس از تعیین سهم مالکیت وفق ماده (۵) قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶)،
 - به صورت بلاعوض و براساس سهم مالکیت به: شرکت دانش بنیان و فناور؛ دارای سابقه فعالیت در حیطه مورد نظر و دارای تأییدیه‌ها و برنامه‌های لازم / فرد فعال در طرح؛ دارای حداقل ۲۵ درصد سهام یک شرکت دانش بنیان و فناور یا عضو هیئت مدیره آن و مرتبط با حیطه مورد نظر - دارای برنامه تجاری‌سازی،
 - به صورت قرارداد مشارکت و براساس سهم مالکیت به: واحد صنعتی / سرمایه‌گذار حقیقی و حقوقی.
- باین حال به نظر می‌رسد اجرای این حکم و آیین‌نامه آن در عمل با برخی چالش‌ها از جمله موارد زیر مواجه باشد:

الف) ابهام در فلسفه و شیوه واگذاری حقوق دارایی‌های فکری و پژوهشی از دانشگاه به شرکت دانش بنیان و فناور، شرکت صنعتی و اشخاص حقیقی

اساساً با توجه به مدل قانون بای-دال هدف از انتقال دارایی‌های فکری از دستگاه‌های اجرایی و به‌ویژه دانشگاه به بخش خصوصی این است که دستاوردهای حاصله از منابع عمومی و دولتی، تجاری شده و همچنین کارآفرینی و استفاده از ظرفیت‌های دانش بنیانی و کسب و کارهای کوچک نیز تقویت شود. بر این اساس، واگذاری‌ها و انتقال دارایی‌های فکری در ماده (۵) به‌ویژه در قراردادهایی که بین دانشگاه با بخش خصوصی منعقد می‌شود با ابهام‌هایی روبه‌رو است:

- کاهش انگیزه دانشگاه‌ها به تجاری‌سازی به علت واگذاری حق

پیشنهاد راهکار تقنینی، نظارتی یا سیاستی

سناریو ۱- تصحیح آیین‌نامه اجرایی این ماده و رفع

ایرادهایی که ضمانت اجرا را کاهش می‌دهد:

- تجدیدنظر کردن روی قید بلاعوض بودن حق واگذاری تمام یا بخشی از دارایی‌های فکری و حق بهره‌برداری از آنها.
- تجدیدنظر کردن روی واگذاری‌ها به تشخیص و تأیید بالاترین مقام دستگاه اجرایی و ضابطه‌مند کردن و شفاف کردن آن.
- افزودن حکمی مبنی بر مجاز بودن دستگاه‌های اجرایی به واگذاری مالکیت فکری، دانش فنی و تجهیزاتی که در چارچوب قرارداد با دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی و فناوری دولتی ایجاد شده به دانشگاه‌ها و مؤسسات یاد شده.

سناریو ۲- تصحیح ماده (۵) قانون جهش تولید دانش بنیان

با رعایت الزامات زیر:

- ثبت اختراع مربوطه توسط دانشگاه یا مؤسسه پژوهشی و تعیین سهم مالکیت براساس قوانین مالکیت فکری کشور.
- امکان (اختیار) اعطای لیسانس یا حق بهره‌برداری از دانشگاه به بخش خصوصی با اولویت شرکت‌های انشعابی یا شرکت‌های دانش بنیانی که در آنها دارای حداقل ۴۹ درصد سهام است.
- امکان بهره‌مندی پدیدآورندگان دارایی‌های فکری در دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی و وراث قانونی آنها در عوایدی که از دارایی‌های فکری ایجاد شده براساس توافق بین طرفین.
- امکان تصرف و بهره‌برداری دولت از دارایی فکری (مجوزهای اجباری) پس از یک بازه زمانی معین در صورتی که دانشگاه به‌طور مناسب از آن بهره‌برداری نکرده باشد (در چارچوب قوانین مرتبط با مالکیت صنعتی در کشور).
- امکان بهره‌برداری دستگاه اجرایی از دارایی فکری (در قالب ضوابط و پس از طی یک بازه زمانی مشخص) در صورتی که دانشگاه به آن تمایلی نداشته باشد.
- امکان بهره‌برداری پدیدآورنده، مؤلف یا مخترع از دارایی فکری (در چارچوب ضوابط و پس از طی یک بازه زمانی مشخص) در صورتی که دانشگاه و دستگاه به آن تمایلی نداشته باشند.

بهره‌برداری به شرکت‌هایی که دانشگاه در آنها سهام ندارد یا افراد حقیقی.

- انتقال دارایی فکری و بهره‌برداری از آن به صورت بلاعوض (براساس موارد مندرج در آیین‌نامه).
- محدود شدن درآمد دانشگاه‌ها از تجاری‌سازی دارایی‌های فکری خود.
- چالش در تعیین صاحب اختراع و دستاوردها بین دانشگاه، مخترع و دستگاه اجرایی.

(ب) ضعف در ضمانت اجرای حکم

- تشخیص و تأیید بالاترین مقام دستگاه به واگذاری تمام یا بخشی از دارایی‌های فکری و عدم تمایل به اجرا برای جلوگیری از شائبه‌ها.
- لزوم اخذ رضایت همه مؤلفین، مخترعین، پدیدآورندگان و دارندگان حق برای تجاری‌سازی (حتی براساس سهم مشارکت).

(ج) عدم شفافیت کافی حکم و تفسیر پذیری آن

- عدم تفکیک دو مقوله دارایی‌های فکری و سهم از تجاری‌سازی و سیاست‌های حق و حقوق و تسهیم منافع در هر کدام.
- ابهام در موضوع تجاری‌سازی با رعایت موارد امنیتی و اصول محرمانه بودن و تعارض آن با چارچوب‌های قانون ثبت اختراعات در موضوع افشای اطلاعات.

(د) نقص در حلقه اتصال سه ضلع دستگاه اجرایی، دانشگاه

(یا مؤسسه پژوهشی) و بخش خصوصی

- ابهام در سهم و حق و حقوق دانشگاه یا مؤسسه پژوهشی از دارایی فکری و بهره‌برداری از آن وقتی به‌عنوان نهاد میانی (که بیش از ۸۰ درصد قراردادهای تحقیقاتی دستگاه‌های اجرایی با آنها منعقد می‌شود) بین دستگاه اجرایی و بخش خصوصی عمل می‌کند.

۱. مقدمه

دارایی‌های نامشهود^۱ و حقوق مرتبط با آنها، از دیرباز به‌عنوان یکی از مشغله‌های ذهنی بشر در کسب و کار به حساب آمده است و تمام دارایی‌هایی را شامل می‌شود که ماهیت فیزیکی ندارند. این نوع دارایی‌ها یکی از اقلام ترازنامه است و طبق استاندارد حسابداری شماره ۱۷ (تجدید نظر شده ۱۳۸۶ سازمان حسابرسی)، ویژگی‌هایی دارد که از آن جمله می‌توان به عدم موجودیت فیزیکی و عینی، قابلیت تشخیص غیر پولی، عدم کاربرد جایگزین و غیر قابل تقسیم به اجزای کوچک‌تر برای فروش و قابلیت تقسیم از همدیگر اشاره کرد. نمونه‌های رایج از سرفصل‌های کلی این نوع دارایی، شامل نرم‌افزارهای رایانه‌ای، حق اختراع، حق تألیف، حق تکثیر یا نمایش فیلم‌های سینمایی و ویدئویی، سرقتی محل کسب (حق کسب یا پیشه یا تجارت)، حق استفاده از خدمات عمومی، حق امتیاز تولید یا خدمات است [۱].

یکی از مهم‌ترین نوع دارایی‌های نامشهود، مالکیت فکری است. براساس تعریف سازمان جهانی مالکیت فکری (WIPO)، مالکیت فکری، حقوق ناشی از فعالیت‌های فکری است که حوزه‌های مختلف از جمله صنعتی، علمی، ادبی و هنری را در بر می‌گیرد. مالکیت فکری خود دارای دو شاخه شامل کپی‌رایت و مالکیت صنعتی است. کپی‌رایت یا حقوق مؤلف به آفریده‌های هنری مانند اشعار، رمان‌ها، موزیک‌ها، نقاشی‌ها و کارهای سینمایی مربوط می‌شود. مالکیت صنعتی نیز شقوق مختلفی دارد که مهم‌ترین آنها عبارتند از: حق ثبت مواردی از قبیل اختراع، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری. حق ثبت یا همان حق انحصاری اختراعات در معنای وسیع به معنای حفاظت از حقوق مخترعان است. در این میان، حق اختراع یا پتنت در حوزه علم و فناوری از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و در تعریف ساده می‌توان گفت که حق اختراع، حقوق اعطا شده توسط دولت به یک مخترع است که به او اجازه می‌دهد برای یک دوره محدود (که حدود ۲۰ سال است)، بهره‌برداری تجاری غیرمجاز دیگران را منع کند [۲].

با توجه به افزایش اهمیت فناوری در صنایع و مشارکت‌های فناورانه، دارایی‌های فکری و دانشی به یکی از مهم‌ترین دارایی‌ها و منابع کسب و کار بدل شده است. بدیهی است که در چنین شرایطی، حفاظت از دارایی‌های فکری، به‌عنوان عامل کلیدی جهت ایجاد مزیت رقابتی در اقتصاد ملی و بین‌المللی، یکی از مهم‌ترین اولویت‌های صنایع، به‌ویژه شرکت‌ها و صنایع مبتنی بر فناوری‌های پیشرفته، به‌شمار می‌آید. زیرا مالکیت فکری، به مخترعین و صاحبان اختراعات، علائم تجاری و حق تکثیر اجازه می‌دهد تا از فعالیت و سرمایه‌گذاری‌های خود در قالب تجاری‌سازی اختراعات، صدور مجوز، مجوز متقابل و فروش اختراع کسب منفعت کنند. در این راستا، کشورها به‌ویژه کشورهای توسعه‌یافته همواره در تلاش هستند تا با اصلاح و بهبود نظام مالکیت فکری خود، شرایط مساعدتری برای ثبت اختراعات ایجاد کرده و از کارکردهای اصلی این نظام که شامل ایجاد انگیزه نوآوری، بازار آفرینی برای فناوری، تشویق افشای اطلاعات اختراع و ارسال پیام است، به بهترین شیوه بهره‌مند شوند.

در این میان، دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی به‌عنوان محلی برای تولید دانش، نوآوری، اختراعات و سایر شقوق مالکیت فکری مطرح هستند. در سال‌های اخیر انگیزه دانشگاه‌های مختلف از تمرکز بر تحقیق و توسعه محض به سمت توسعه علوم کاربردی و ورود به دنیای کسب و کار افزایش یافته است. توسعه این برنامه‌ها موجب شده ارتباط نزدیک‌تری میان دانشگاه‌ها و صنایع مختلف برقرار شود تا بدین ترتیب دانشگاه‌ها بتوانند نقش فعال‌تری در اقتصاد کشورها ایفا کنند. از آنجاکه این موضوع می‌تواند با سود اقتصادی و اجتماعی قابل توجهی همراه باشد، مسئله مالکیت فکری اهمیت زیادی می‌یابد. رساندن نوآوری‌ها از آزمایشگاه به بازار یکی از عمده دلایلی است که دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی را به سمت اتخاذ یک سیاست مالکیت فکری پایدار برای مؤسسات خود سوق می‌دهد و طبیعتاً این سیاست‌ها متأثر از سیاست‌ها و رویه‌های قانونی هر کشور و همچنین رویکردهای بین‌المللی است. برای مثال، در سال ۱۹۸۰ «قانون آیین ثبت اختراع دانشگاه‌ها و شرکت‌های کوچک» یا همان قانون بای-دال^۱ در حوزه حقوق مالکیت فکری در آمریکا تصویب شد که در واقع اصلاحیه «قانون ثبت اختراعات و علائم تجاری» بود. براساس این قانون ابداعات از هر نوعی که توسط دانشگاه‌ها یا کسب و کارهای کوچک و یا مؤسسات غیرانتفاعی، اما با بودجه و حمایت مالی دولت انجام می‌شود، مالکیت این ابداع در اختیار نهاد مبدع است نه دولت، هر چند دولت حمایت مالی کرده باشد. کنگره قانون بای-دال را به‌منظور

1. Intangible Asset.

2. World Intellectual Property Organization.

حل مسائل زیر به تصویب رساند [۳]:

۱. کاربرد کم اختراعات دولتی؛ زیرا تنها ۵ درصد از اختراعات تملک شده توسط دولت در بخش خصوصی مورد استفاده قرار می‌گرفت.
۲. ثبت اختراع توسط دانشگاه‌ها یک استثنا بود و قاعده کلی محسوب نمی‌شد.
۳. تأمین‌کنندگان مهم تحقیقات دولتی، به‌ویژه مؤسسه ملی بهداشت مخالف ثبت اختراعات بودند.
۴. حدود بیست‌وشش دستورالعمل سازمانی متفاوت در ارتباط با استفاده از نتایج تحقیقات تأمین مالی شده عمومی وجود داشت.
۵. عموماً دولت مالک اختراعاتی بود که با حمایت مالی‌اش ایجاد می‌شد.
۶. لیسانسی که برای استفاده از اختراعات دولتی داده می‌شد، عموماً به‌صورت غیرانحصاری بود.
۷. صنعت زیست‌فناوری در مراحل اولیه خود بود و نیاز به حمایت ویژه داشت.

براساس قانون بای-دال، دانشگاه یا نهاد مبدع با ثبت اختراع و داشتن حق مالکیت معنوی اثری که تأمین مالی آن توسط دولت صورت گرفته است، مکلف است فرایند تجاری‌سازی را شروع و محصولات خود را در بازار مصرف عرضه کند، در غیر این صورت مالکیت اختراع از آن دولت خواهد بود و دولت خواهد توانست بهره‌برداری از اختراع را به هر کس که بخواهد واگذار کند. دانشگاه برای انجام تکلیف تجاری‌سازی خود می‌تواند حق انحصاری اختراع را به سرمایه‌گذاران متقاضی مانند شرکت‌های خصوصی واگذار کند یا خود فرایند تجاری‌سازی را به انجام رساند. درآمد حاصل، یک بخش از آن مخترع و بخش دیگر از آن دانشگاه و اهداف آزمایشگاهی و بقیه برای حمایت از فرایند انتقال تکنولوژی به کار می‌رود. این قانون انتقال فناوری از دانشگاه به مرحله تجاری‌سازی را تسهیل می‌کند و ارتباط صنعت و دانشگاه را مستحکم می‌کند.

از آنجا که قانون بای-دال به‌عنوان یک قانون مدل در سطح جهانی مطرح می‌شود، کشورها به‌دنبال الگوبرداری از آن هستند. از انگیزه‌هایی که کشورها به‌دنبال الگو قرار دادن قانون بای-دال هستند، می‌توان به افزایش درآمد ناشی از لیسانس برای دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی؛ تسهیل انتقال فناوری و تجاری‌سازی ایده‌ها و اختراعات ایجادشده در دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی عمومی و افزایش آگاهی از موضوعات مالکیت فکری در میان دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقات عمومی اشاره کرد. نتایج حاصل از پیاده‌سازی سیستم بای-دال و فعالیت دفاتر انتقال فناوری در کشور ژاپن نشان می‌دهد که این اقدامات گام مهمی در انتقال نتایج تحقیقات به صنعت بوده است. دولت این کشور با اجرای سیاست‌هایی موجب گرایش دانشگاه‌ها به تأسیس دفاتر اعطای امتیاز فناوری به‌منظور افزایش ارتباط مستمر بین دانشگاه و صنعت شد. مدل دفاتر انتقال فناوری (TLO) ژاپنی از دفاتر اعطای امتیاز تکنولوژی دانشگاه استفورد الهام گرفته شد و نقش اصلی را در همکاری صنعت دانشگاه بازی می‌کنند و در نتیجه اعطای امتیاز بخشی از سود حاصل به دانشگاه‌ها برمی‌گردد و بدین سان منابع مالی لازم جهت انجام تحقیقات بیشتر در دانشگاه‌ها فراهم می‌شود [۴].

برای نمونه، دولت هند مایل به تصویب قانونی مشابه بای-دال به‌نام «لایحه حفاظت و استفاده از مالکیت فکری با بودجه عمومی»^۲ در دانشگاه‌های تحقیقاتی هند بود. چشم‌انداز این لایحه، افزایش حفاظت و استفاده از حقوق مالکیت معنوی ناشی از تحقیقات با بودجه عمومی و تجاری‌سازی اختراع، ایجاد درآمد برای مؤسسات تحقیقاتی / دانشگاه‌ها عنوان شده بود. با این حال، در سال ۲۰۱۰، کمیته دائمی علم و فناوری، محیط زیست و جنگل‌ها گزارش خود را در مورد لایحه مذکور داد و ایرادهایی بر آن وارد کرد. از موارد مورد بحث می‌توان به عدم قبول ادعای خوداتکایی دانشگاه‌ها به‌واسطه منابع حاصل از مالکیت فکری و سلب مسئولیت تأمین اعتبارات کافی از سوی دولت؛ عدم حفظ تعادل بین بخش اجتماعی و مدل مبتنی بر بازار؛ مجوز اجباری برای تضمین منافع اجتماعی؛ مقررات کیفی سخت‌گیرانه در قبال محققان و دانشمندان و عدم شفافیت کافی در مالکیت فکری با بودجه عمومی اشاره کرد. در مجموع این لایحه در سال ۲۰۱۴ رد شد [۵].

به‌طور کلی، بحث‌ها و تحلیل‌هایی وجود دارد مبنی بر اینکه از دید اقتصادی، درآمدهای ناشی از لیسانس مؤسسات و مراکز

1. The Bayh-Dole Act.

2. Protection and Utilization of Public Funded Intellectual Property Bill (PUPFIPB).

مشمول قانون بای-دال، تنها بخش کوچکی از کل تحقیقات است که تنها اندکی از هزینه‌های صرف شده را جبران می‌کند. ضمن آنکه چنین مقرراتی می‌تواند مؤسسات تحقیقاتی و دانشگاهی را از رسالت علمی خود دور سازد و درگیر پرونده‌های اداری و مالی کند. همکاری بین صنعت و دانشگاه با ایجاد تعارض منافع دشوار شده و کانال‌های سنتی انتقال دانش به کناری نهاده می‌شوند؛ در حالی که تمایل جدید در کشورهای اروپایی، تأکید بر استفاده از تمامی کانال‌های انتقال فناوری بوده و اصرار بر لیسانس را چندان مناسب نمی‌دانند [۶].

در کشور ما، قانون «ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری» در راستای حمایت از مالکیت صنعتی در بهمن‌ماه سال ۱۳۶۳ برای اجرای آزمایشی به مدت پنج سال به تصویب رسید و جایگزین قانون مصوب سال ۱۳۱۰ شد و مطالعات مرکز پژوهش‌های مجلس از سال ۱۳۸۶ تاکنون نشان می‌دهد که علی‌رغم برتری‌های قانون فعلی با سلف خود، کاستی‌های مهمی در قانون وجود دارد [۷]. در این قانون نظام آموزش عالی کشور و وزرات علوم، تحقیقات و فناوری فاقد جایگاه و نقش دیده می‌شود. این مسئله نشانه نگاه صرفاً اداری به موضوع مهمی است که یکی از ارکان توسعه علم و فناوری در کشورهای است. در حالی که حقوق مالکیت فکری ابعاد مختلف فرهنگی، بینشی، مدیریتی، فنی، حقوقی، اقتصادی و سیاسی دارد [۶]، البته «طرح حمایت از مالکیت صنعتی»^۱ متن به نسبت جامع و دقیقی به نظر می‌رسد که ضمن ملاحظه قوانین بین‌المللی و ملی، اغلب خلأها و اشکالات قانون فعلی را پوشش داده و به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده و در انتظار تأیید شورای نگهبان قرار دارد. در خصوص قوانین و مقررات مالکیت فکری دانشگاه‌های کشور، این موضوع به نوعی با الگوگیری از قانون بای-دال، در تبصره «۲» بند «و» ماده (۱۷) قانون برنامه پنجم توسعه و همچنین بند «خ» ماده (۶۴) قانون برنامه ششم توسعه دیده می‌شود که به دستگاه‌های اجرایی اجازه داده شد تا مالکیت فکری، دانش فنی و تجهیزاتی را که در چارچوب قرارداد با دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی و فناوری دولتی ایجاد شده است به دانشگاه‌ها و مؤسسات یاد شده واگذار کنند. باین حال به دلایلی مانند نبود فرهنگ قوی حفاظت از دارایی‌های فکری، وجود سیستم اعلامی بسیار سهل‌گیر برای ثبت اختراعات و انگیزه ثبت اختراع به عنوان ابزار کسب شهرت و اعتبار به جای کسب منافع مادی از آن، نبود دادگاه‌های تخصصی در زمینه مالکیت فکری و کمبود کارشناسان و وکلای متخصص در این حوزه مانع از تحقق کامل این احکام شد [۵]. در ادامه، در ماده (۵) قانون جهش تولید دانش بنیان مصوب سال ۱۴۰۱، موضوع واگذاری حقوق مالکیت فکری که از طریق دریافت اعتبارات دولتی حاصل شده است وارد سطح جدیدی شد و کلیه دستگاه‌های اجرایی شامل دانشگاه‌ها، مراکز و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی مجاز شدند دستاوردهای پژوهشی و دارایی‌های فکری خود را در اختیار شرکت‌های دانش بنیان و واحدهای فناوری یا افراد حقیقی فعال اعم از اعضای هیئت علمی، دانشجویان و پژوهشگران قرار دهند [۸]. همچنین آیین‌نامه اجرایی این بند در تاریخ ۱۴۰۱/۹/۶ به تصویب هیئت وزیران رسیده و چارچوب‌هایی را در جهت اجرایی ماده قانونی فوق لحاظ کرده است [۹]. باین حال هنوز گزارش عملکرد در خصوص این ماده گزارش نشده است.

در این گزارش با محوریت بررسی نحوه اجرا و چالش‌ها و ابهام‌ها در اجرای ماده (۵) قانون جهش تولید دانش بنیان، موضوع واگذاری دارایی‌های فکری، دستاوردهای پژوهشی و حق بهره‌برداری از آنها از سمت دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی به شرکت‌های دانش بنیان، واحدهای فناوری و اشخاص حقیقی مورد بحث قرار خواهد گرفت و ضمن بررسی چالش‌های اجرایی و قانونی این حکم، پیشنهادهاتی در راستای رفع برخی ایرادها ارائه خواهد شد.

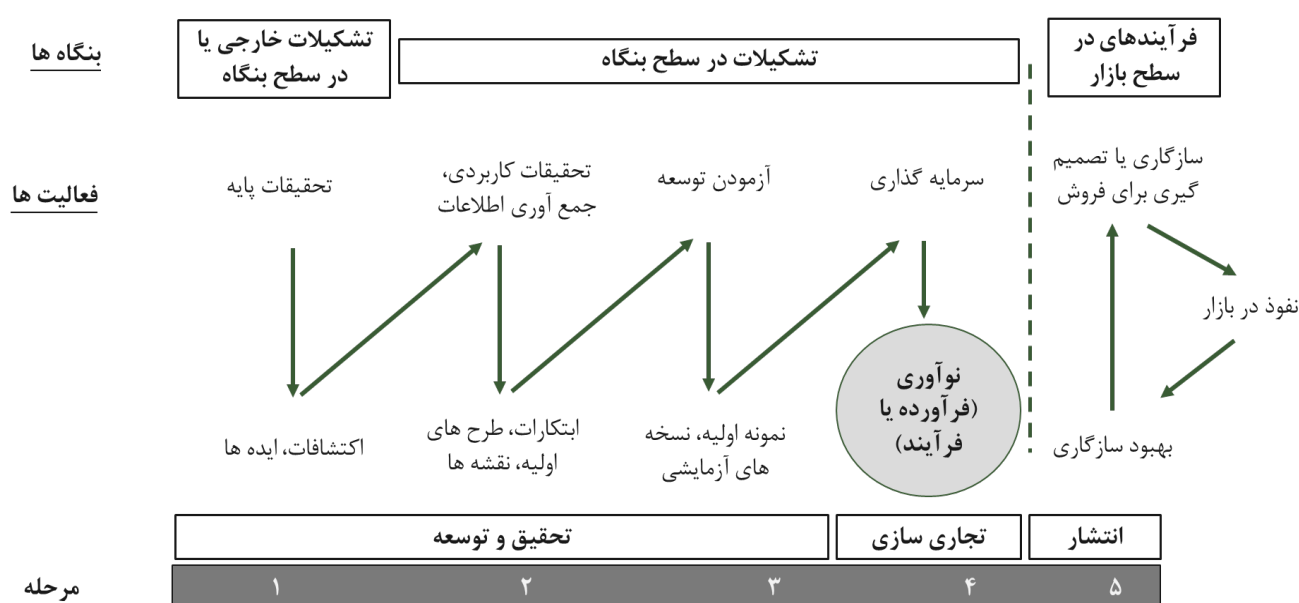
۱. این طرح در تاریخ ۱۴۰۰/۹/۲۱ در صحن مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید و در حال طی مراحل شورای نگهبان بوده و به زودی به تصویب نهایی خواهد رسید.

۲. نقش مالکیت فکری در نظام نوآوری

از نهاده‌های ملموس و غیرملموس را ارائه دهند. به این ترتیب نوآوری در فرایندی پیچیده اتفاق می‌افتد که پیش از آن اختراعاتی صورت گرفته و پس از آن پذیرش نوع جدید فرآورده‌ها توسط مصرف‌کنندگان، یا پذیرش فرایندهای مربوط به بهترین روش انجام کار توسط شرکت‌ها رخ می‌دهد. فرایند نوآوری دارای مراحل است و همان‌گونه که در شکل ۱ دیده می‌شود، تا حدودی می‌توان آنها را از هم تفکیک کرد.

در تعریف نوآوری، یک عنصر ذاتی مرتبط با تازگی وجود دارد. از این رو کاربرد ایده‌های جدید درباره فرآورده‌ها، فرایندها یا دیگر جنبه‌های فعالیت‌های شرکت‌ها که به ارزش افزوده منتهی شوند با نوآوری مرتبط است. ممکن است نوآوری فرآورده به صورت کالای تولیدی ملموس، خدمات ناملموس یا ترکیبی از این دو باشد. نوآوری در فرایند نیز به خلق راه‌های جدید تولید کالاها و انجام کارها منجر شده و ممکن است حتی کاربردی جدید از

شکل ۱. مراحل نظام نوآوری [۷]



پذیرش گسترده فرآورده‌ها یا فرایندها توسط بازار است. توسعه نوآوری‌ها مستلزم حفاظت از حقوق مالکیت فکری نوآوران و مخترعان است. حق انحصاری اختراع، طرح‌های صنعتی و علامت تجاری در ارتباط با حق مالکیت صنعتی کمک زیادی به ایجاد نوآوری می‌کند، زیرا شخص مبتکر و مخترع و یا فردی که مجوز استفاده از اختراع یک مخترع را دریافت می‌کند، به حقوق مالکیت آتی به‌عنوان انگیزه و اعتماد به بازگشت سرمایه نیاز دارد. در شکل ۲، جایگاه حمایت و صیانت از مالکیت فکری به‌خصوص مالکیت صنعتی در نظام نوآوری کشور ترسیم شده است.

در مراحل اولیه فرایند نوآوری، فعالیت‌هایی نظیر انجام تحقیقات پایه، تولید ایده و اکتشاف، انجام تحقیقات کاربردی، تولید طرح‌های اولیه و نقشه‌ها، توسعه و ساخت نمونه‌های اولیه و آزمایشی صورت می‌گیرد که تحت عنوان «اختراعات در دست انجام»، کار سخت یا نبوغ مخترعان معرفی می‌شوند. تمام این فعالیت‌ها را اغلب یکپارچه کرده و آنها را «تحقیق و توسعه» می‌نامند. پس از گذر از تحقیق و توسعه و ورود به مرحله تجاری‌سازی که شامل فرآورده یا فرایند جدید قابل عرضه به بازار است، نوآوری به ثمر می‌نشیند. بعد از تجاری‌سازی مرحله دیگری آغاز می‌شود که به آن مرحله انتشار می‌گویند و شامل

شکل ۲. جایگاه حمایت از مالکیت فکری در نظام ملی نوآوری [۷]

**بهره‌برداران
(صنعت و تجارت)**

- شرکت‌ها (شرکت‌های کوچک و متوسط، بزرگ، دانش بنیان، ...)
- واحد فناوری
- افراد حقیقی (فعال در طرح اعم از اعضای هیات علمی، دانشجویان و پژوهشگران)

**حمایت و حفاظت از مالکیت
فکری (وظیفه حاکمیتی دولت)**

- مالکیت صنعتی (اختراع، طرح صنعتی، علائم تجاری، ...)
- کپی رایت (آثار علمی و هنری، ...)

**خلق ایده
(مخترعین و نوآوران)**

- بخش تحقیق و توسعه شرکت‌های بزرگ
- شرکت‌های دانش بنیان
- دانشگاه‌ها و موسسات پژوهشی
- بخش عمومی (دستگاه‌های اجرایی)
- اشخاص حقیقی

از افراد در ایران به مقوله اختراع و ثبت آن به اشتباه، موضوعی تشریفاتی است که برای اثبات توانمندی علمی مخترع انجام می‌شود. در حالی که ثبت اختراع ابزاری تجاری است و اختراعات از دل نیازهای احساس شده و بدون پاسخ مانده جامعه بیرون می‌آید [۱۰]. به نظر می‌رسد علاوه بر موضوع استقرار صحیح نظام حقوق مالکیت فکری (بهبود کیفیت اختراعات ثبت شده و ارزش گذاری دارایی‌های فکری)، یکی از دلایل عدم توفیق کشور در عایدی حقوق مالکیت فکری، نحوه تجاری سازی این نوع دارایی‌ها باشد. این امر موجب شده طی سالیان گذشته احکام و قوانینی در راستای واگذاری یا انتقال حقوق مالکیت دارایی‌های فکری و بهره‌برداری از آنها با هدف کمک به تجاری سازی دستاوردها و اختراعات وضع شوند که در ادامه به آنها پرداخته می‌شود.

همان‌طور که در شکل ۲ مشاهده می‌شود، حمایت و حفاظت از دارایی‌های فکری، عمدتاً در زمره وظایف حاکمیتی دولت‌ها و در قالب زیرساخت‌های قانونی و مقرراتی انجام می‌شود. مخترعین و نوآوران شاغل در بخش‌های دولتی یا خصوصی یا به صورت مستقل به خلق ایده می‌پردازند. بهره‌برداری از دارایی‌های فکری نیز ممکن است توسط خود پدیدآورندگان یا توسط شرکت‌ها و مؤسسات تولیدی و تجاری صورت گیرد. بررسی‌ها نشان می‌دهد در کشور ما کمتر از ده درصد اختراعات ثبت شده، مراحل تجاری سازی را طی می‌کنند. در این میان حدود ۸۰ درصد اختراعات ثبت شده مربوط به افراد حقیقی و ۲۰ درصد آن مربوط به اشخاص حقوقی شامل شرکت‌ها، دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها است. این آمار حاکی از آن است که نگاه خیلی

۳. قوانین و مقررات مربوط به واگذاری یا انتقال حق مالکیت دستاوردهای پژوهشی و دارایی‌های فکری

دریافت کنندگان پروژه‌های تحقیقاتی (دانشگاه و هیئت علمی عضو آن) می‌توانند مالکیت اختراعات با تأمین مالی نهادهای دولتی را حفظ کنند به شرطی که به برخی الزامات نیز وفادار بمانند. از جمله این الزامات این است که اختراع مربوطه را به ثبت برسانند، در لیسانس دهی این اختراعات و بهره‌برداری از آنها اولویت را به کسب و کارهای کوچک اختصاص دهند و در صورتی که فناوری به طور مناسبی استفاده نشده باشد، دولت اجازه تصرف و بهره‌برداری از آن را دارد. اگر دانشگاه تمایلی به استفاده از این حق و پایبندی به این الزامات نداشته باشد، دستگاه اجرایی می‌تواند با رعایت الزامات مشابهی از این حقوق استفاده کند و در صورتی که هر دو این نهادها متقاضی نباشند، این حق به مخترع و تحت چارچوب‌ها و الزاماتی اعطا می‌شود.

بر اساس بند «ه» ماده (۵) قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶، حقوق مادی یک اختراع (بهره‌برداری از اختراع) در اختیار سازمانی است که مخترع در آن استخدام شده است. این در حالی است که این سازمان‌ها عموماً دانشگاه‌ها هستند و در تعامل با دستگاه‌های اجرایی پروژه‌هایی را از آنها گرفته و با امکانات آن دستگاه اجرایی، پروژه را به انجام می‌رسانند. بنابراین دقیقاً مشخص نیست که چه کسی صاحب حقوق مالکیت فکری به دست آمده است؟ آیا دانشگاه که پژوهشگر یا عضو هیئت علمی در استخدام آن قرار دارد یا سازمانی که منابع مالی و امکانات انجام کار را فراهم کرده است (یعنی دستگاه اجرایی). همان‌طور که اشاره شد برخی کشورها مثل آمریکا و ژاپن قوانینی موسوم به بای-دال تدوین کردند که بر اساس آن،

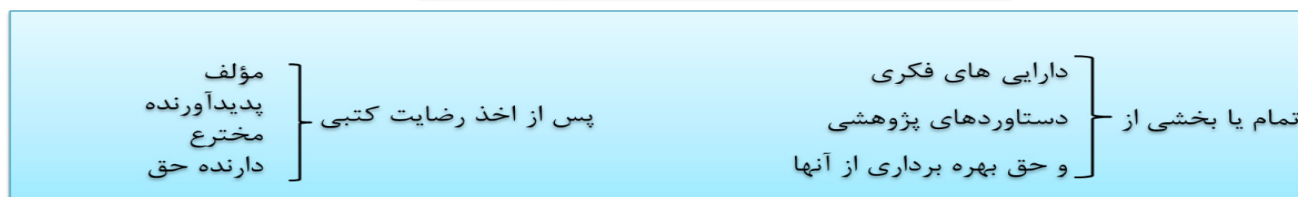
در آخرین اقدامات، وفق ماده (۵) قانون جهش تولید دانش بنیان مصوب سال ۱۴۰۱، «کلیه دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری، دانشگاه‌ها، مراکز و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی مجاز شدند تمام یا بخشی از دارایی‌های فکری، دستاوردهای پژوهشی و حق بهره‌برداری از آنها را حسب مورد پس از اخذ رضایت کتبی مؤلف، پدیدآورنده، مخترع و دارنده حق جهت بهره‌برداری علمی و پژوهشی در اختیار شرکت‌ها و مؤسسات دانش بنیان و واحدهای فناور مستقر در مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری و یا افراد فعال در انجام طرح (پروژه) اعم از اعضای هیئت علمی، دانشجویان و پژوهشگران به صورت بلاعوض در جهت تجاری‌سازی آنها با رعایت موارد امنیتی و اصول محرمانه بودن واگذار و یا در جهت تجاری‌سازی یافته‌های علمی با کارآفرینان، قرارداد مشارکت منعقد نمایند». آیین‌نامه موضوع این ماده نیز در ۱۴۰۱/۹/۶ توسط هیئت وزیران مصوب شده و طی آن چارچوب موضوعاتی از قبیل تعیین سهم مؤلفین، پدیدآورندگان، مخترعین و دارندگان حق، ضوابط در اختیار گذاشتن دستاوردهای پژوهشی، دارایی‌های فکری به صورت بلاعوض و به افراد فعال در طرح، ضوابط ذکر شده در بالا، برای شرکت‌های دانش بنیان و فناور و ضوابطی نیز برای واحدهای صنعتی یا سرمایه‌گذاران حقیقی و حقوقی در قالب قرارداد مشارکت مشخص شده است (شکل‌های ۳ و ۴).

در ایران، با الگوبرگیزی از قانون بای-دال، در تبصره «۲» بند «و» ماده (۱۷) قانون برنامه پنجم توسعه (۱۳۹۴-۱۳۹۰) و همچنین بند «خ» ماده (۶۴) قانون برنامه ششم توسعه (۱۴۰۰-۱۳۹۶) به دستگاه‌های اجرایی اجازه داده شد تا مالکیت فکری، دانش فنی و تجهیزاتی را که در چارچوب قرارداد با دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی و فناوری دولتی ایجاد شده است به دانشگاه‌ها و مؤسسات یاد شده واگذار کنند. در همین راستا به منظور اجرای این حکم زیرساخت‌های قانونی دیگری نیز شکل گرفت به نحوی که براساس ماده (۴۳) قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی (۲) مصوب سال ۱۳۹۳، دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی (دولتی و غیردولتی) با هدف تجاری‌سازی نتایج تحقیقات، مجاز شدند شرکت‌های دانش بنیانی که حداکثر ۴۹٪ سهام آن متعلق به دانشگاه‌ها، مؤسسات پژوهشی و دیگر واحدهای دولتی و مابقی سهام متعلق به اعضای هیئت علمی و دانشجویان و سایر سهام‌داران بخش خصوصی باشد، ایجاد کرده یا در آن مشارکت نمایند. علاوه بر این در ماده (۱۵) برنامه توسعه تولید دانش بنیان مصوب سال ۱۳۹۴ هیئت وزیران (وفق ماده (۴۳) قانون رفع موانع تولید رقابت پذیر مصوب ۱۳۹۴): اعطای اعتبار تشویقی به شرکت‌های انشعابی ذیل دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی که موفق به تجاری‌سازی و فروش محصولات خود شده‌اند در نظر گرفته شد.

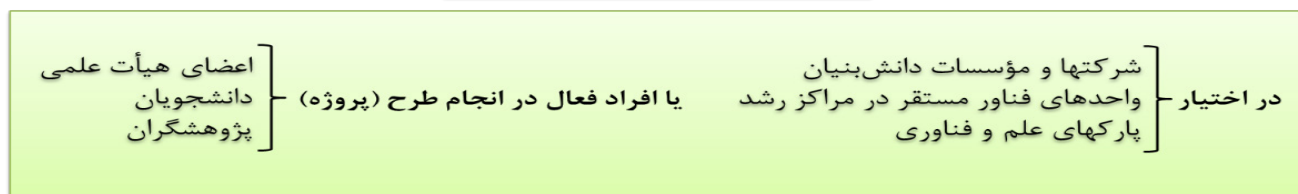
شکل ۳. ساختار ماده (۵) قانون جهش تولید دانش بنیان مصوب سال ۱۴۰۱

ماده ۵

کلیه دستگاه‌های اجرایی، دانشگاه‌ها، مراکز و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی مجازند



جهت بهره‌برداری علمی و پژوهشی



بلاعوض در جهت تجاری‌سازی آنها

قرارداد مشارکت جهت تجاری‌سازی یافته‌های علمی با کارآفرینان

به صورت

شکل ۴. ساختار کلی آیین نامه اجرایی ماده (۵) قانون جهش تولید دانش بنیان



۴. ابهام‌ها و چالش‌های اجرای ماده (۵) قانون جهش تولید دانش بنیان

در قانون بای-دال و قوانین مشابه، هدف از واگذاری حقوق مادی دستاوردهای علمی و پژوهشی دانشگاه‌هایی که از بودجه عمومی استفاده می‌کند، تشویق و ترغیب دانشگاه‌ها به بهره‌برداری از دارایی‌های فکری خود از طریق اعطای لیسانس، ایجاد شرکت‌های انشعابی با سهام دانشگاه و دیگر راه‌های تجاری سازی است تا بدین ترتیب با کسب منافع مادی، موجب تحقیقات بیشتر برای صنایع و کسب و کارها شوند. از این لحاظ تجاری سازی دستاوردهای فکری دانشگاه به معنی ایجاد انگیزه برای دانشگاه جهت درآمدزایی و اشتغال آفرینی و حرکت به سمت نسل سوم است، اما واگذاری حق بهره‌برداری به شرکتی که دانشگاه در آن سهام ندارد این هدف را نقض می‌کند. به‌ویژه آنکه در مواردی نیز دستاوردهای پژوهشی و دارایی‌های فکری و حق بهره‌برداری از آنها به صورت بلاعوض به شرکت‌های دانش بنیان و فناور یا افراد حقیقی فعال در طرح واگذار می‌شود. این موضوع نه تنها انگیزه دانشگاه‌ها و محققین به نوآوری و اختراع را تحریک نمی‌کند، بلکه مختصر درآمدی که دانشگاه می‌توانست از تجاری سازی دارایی‌های فکری خود داشته باشد را نیز به شدت محدود خواهد کرد.

با توجه به مفاد ماده (۵) قانون جهش تولید دانش بنیان و آیین نامه اجرایی آن، ابهام‌ها و چالش‌ها از منظر هدف حکم مورد نظر، ضمانت اجرا، تفسیر پذیری حکم، شیوه واگذاری دارایی‌های فکری و نقص در حلقه اتصال سه ضلع دستگاه اجرایی، دانشگاه و مؤسسات پژوهشی (به عنوان نهاد میانی بین کارفرما و افراد فعال در طرح) و شرکت‌های خصوصی و افراد حقیقی قابل بررسی است.

۴-۱. ابهام در فلسفه و شیوه واگذاری حقوق دارایی‌های فکری و پژوهشی از دانشگاه به شرکت دانش بنیان و فناور، شرکت صنعتی و اشخاص حقیقی

اساساً هدف از انتقال دارایی‌های فکری از دستگاه‌های اجرایی و به‌ویژه دانشگاه به بخش خصوصی این است که دستاوردهای حاصله از منابع عمومی و دولتی، تجاری شده و همچنین کار آفرینی و ظرفیت‌های دانش بنیانی و کسب و کارهای کوچک نیز تقویت شود، اما به نظر می‌رسد هدف این ماده، بهره‌برداری از دارایی‌های فکری دستگاه‌های اجرایی از جمله دانشگاه‌ها به هر قیمتی است. به طوری که حتی واگذاری بلاعوض نیز مجاز شمرده است. این در حالی است

سرمایه‌گذاری خود شخص پدید آورنده صورت گرفته و بنابراین مالک حقوق مادی و معنوی یک شخص باشد. معمولاً با توجه به اینکه دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی امکانات اداری و حقوقی لازم را برای ارتباط با صنعت و تجاری‌سازی دارایی‌های فکری در اختیار دارند مالکیت حقوق مادی به‌طور کامل به دانشگاه تعلق می‌گیرد، اما در واگذاری سهم و تسهیم منافع، سهم زیادی برای پدیدآورنده در نظر گرفته می‌شود تا مخترع و نوآور انگیزه کافی برای تحقیق و نوآوری بیشتر داشته باشد. در مثالی دیگر، انتهای همین ماده بر «موارد امنیتی و اصول محرمانه بودن» تأکید شده است. این در حالی است که معمولاً انتقال مالکیت دارایی‌های فکری در ادارات ثبت اختراع در معرض دید عموم قرار دارد. آیین‌نامه اجرایی نیز در خصوص رعایت موارد امنیتی و اصول محرمانه بودن، مسکوت است و چارچوبی مبتنی بر موارد مشمول امنیتی بودن یا محرمانگی، چگونگی رعایت آن و رفع تعارض آن با چارچوب‌های قانون ثبت اختراعات در موضوع افشای اطلاعات، ارائه نکرده است.

۴-۴. نقص در حلقه اتصال سه ضلع دستگاه اجرایی، دانشگاه (یا مؤسسه پژوهشی) و بخش خصوصی

محور کلیدی این حکم و آیین‌نامه اجرایی آن، واگذاری حقوق مالکیت فکری بخش دولتی به بخش خصوصی (یعنی شرکت‌های دانش‌بنیان و فناوری، شرکت‌های صنعتی یا اشخاص حقیقی) است. در این میان از آنجا که بخش قابل توجهی از تأمین مالی پژوهش و فناوری از طرف دستگاه‌های اجرایی در قالب قرارداد با دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی انجام می‌شود، همچنان موضوع نحوه ارتباط و میزان سهم و مالکیت دارای‌های فکری بین دستگاه‌های اجرایی با مؤسسات پژوهشی و دانشگاه‌ها مبهم است و اتصال سه ضلع دستگاه، دانشگاه و بخش خصوصی در قسمت دستگاه و دانشگاه (وقتی به‌عنوان حلقه اتصال بین دستگاه اجرایی و بخش خصوصی عمل می‌کند) دارای نقص است. به‌عبارت دیگر مشخص نیست در پژوهشی که توسط دانشگاه یا مؤسسه تحقیقاتی و با تأمین مالی یک دستگاه اجرایی انجام می‌شود، حق مالکیت فکری، دانش فنی و تجهیزات در اختیار دانشگاه است یا دستگاه اجرایی و کدام یک از این دو نهاد به‌عنوان مالک دارایی‌های یاد شده می‌توانند تمام یا بخشی از حقوق خود را به شرکت‌های دانش‌بنیان، فناوری و سایر شرکت‌های صنعتی و اشخاص حقیقی واگذار کنند. این مسئله ممکن است اجرای حکم را با چالش‌های زیادی مواجه کند.

علاوه بر این، تعیین صاحب اختراع و دستاوردها مهم‌ترین چالش در مسیر اجراست، همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد مالکیت در اکثر دارایی‌های فکری به‌صورت اشتراکی بین مخترع و دانشگاه است. در موارد متعددی نیز مخترع بدون اطلاع دانشگاه نسبت به ثبت اختراع خود اقدام کرده و خود را مالک مادی و معنوی اختراع معرفی می‌کند. از این‌رو توافق بین دانشگاه و مخترع و در ادامه توافق این دو با شرکت‌های دانش‌بنیان یا شرکت‌های صنعتی و اشخاص حقیقی دیگر، برای واگذاری تمام یا بخشی از حقوق دارایی فکری چالشی جدی محسوب می‌شود.

۲-۴. ضعف در ضمانت اجرا

براساس این حکم تشخیص اولویت واگذاری تمام یا بخشی از دستاوردهای پژوهشی و دارایی‌های فکری و حق بهره‌برداری از آنها، منوط به تأیید بالاترین مقام دستگاه است. با توجه به نقش تعیین‌کننده یک نفر در تشخیص و تصمیم برای واگذاری دارایی، ممکن است تبعات ناشی از یک تصمیم برای وی شائبه‌های زیادی را ایجاد کند، به‌طوری که بالاترین مقام هر دستگاه حاضر به اتخاذ چنین تصمیمی نباشد. همچنین برای تجاری‌سازی دارایی فکری، رضایت مالک (ان) برای این کار نیاز است و لذا به‌نظر می‌رسد تجاری‌سازی با مشارکت دستگاه اجرایی و به میزان سهم ایشان (موضوع ماده (۵) آیین‌نامه) و بدون اجازه سایر مالکان (در صورت وجود)، اجرایی نخواهد بود.

۳-۴. عدم شفافیت کافی حکم و تفسیرپذیری آن

ادغام عبارات و موضوعات مختلف در این حکم، از شفافیت آن تا حدی کاسته و آن را تفسیرپذیر کرده است. برای مثال در این حکم دو مقوله دارایی‌های فکری^۱ و سهم از تجاری‌سازی^۲ مجاز به واگذاری شده است. این دو موضوع در عین وابستگی به هم، منفک از یکدیگر هستند و معمولاً سیاست‌های مجزایی برای هر کدام توسط دارندگان حق اعمال می‌شود، اما در متن حکم و آیین‌نامه آن، این دو حوزه از یکدیگر منفک نشده‌اند. ذکر مجدد این موضوع ضروری است که مالکیت مادی و معنوی یک اثر می‌تواند از هم جدا باشد، به‌طوری که مالکیت حقوق معنوی متعلق به شخص حقیقی و پدیدآورنده است، اما مالکیت حقوق مادی برای کارفرماست. در موارد زیادی، دانشگاه یا دستگاه‌های دولتی به‌عنوان کارفرما مطرح هستند، اما ممکن است اختراع یا سایر شقوق مالکیت فکری توسط

1. Ownership

2. Benefit sharing.

۵. جمع‌بندی و پیشنهادها



دارایی‌های فکری با تأمین مالی نهادهای دولتی را حفظ کنند به شرطی که به برخی الزامات از قبیل موارد زیر وفادار بمانند:

- ثبت اختراع مربوطه توسط دانشگاه.
- امکان اعطای لیسانس یا حق بهره‌برداری از دانشگاه به بخش خصوصی با اولویت کسب و کارهای کوچک.
- امکان تصرف و بهره‌برداری دولت از دارایی فکری در صورتی که دانشگاه به‌طور مناسب از آن بهره‌برداری نکرده باشد.
- امکان بهره‌برداری دستگاه اجرایی از دارایی فکری (در قالب ضوابط مشخص) در صورتی که دانشگاه به آن تمایلی نداشته باشد.
- امکان بهره‌برداری پدیدآورنده، مؤلف یا مخترع از دارایی فکری (در چارچوب ضوابط مشخص) در صورتی که دانشگاه و دستگاه به آن تمایلی نداشته باشند.

ماده (۵) قانون جهش تولید دانش بنیان، دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی را به‌مثابه دستگاه اجرایی فقط در ارتباط با بخش خصوصی در نظر گرفته و نتوانسته است اتصال شفاف بین دستگاه اجرایی، دانشگاه و بخش خصوصی را در مواردی که دانشگاه مجری انجام قراردادهای پژوهشی با دستگاه‌هاست تبیین کند. لذا مشخص نیست در این گونه موارد حق مالکیت فکری، دانش فنی و تجهیزات در اختیار دانشگاه است یا دستگاه اجرایی و کدام یک از این دو نهاد به‌عنوان مالک دارایی‌های یاد شده می‌توانند تمام یا بخشی از حقوق خود را به شرکت‌های دانش بنیان، فناوری و سایر شرکت‌های صنعتی و اشخاص حقیقی واگذار کنند. با توجه به موارد ذکر شده در راستای بهبود اجرای ماده (۵) قانون جهش تولید دانش بنیان، موضوع تجاری‌سازی دارایی‌های فکری تأمین مالی شده توسط دولت را می‌توان در دو سناریو دنبال کرد:

سناریو ۱. تصحیح آیین‌نامه اجرایی این ماده و رفع ایرادهایی که ضمانت اجرا را کاهش می‌دهد:

- تجدیدنظر کردن روی قید بلاعوض بودن حق واگذاری تمام یا بخشی از دارایی‌های فکری و حق بهره‌برداری از آنها.
- تجدیدنظر کردن روی واگذاری‌ها به تشخیص و تأیید بالاترین مقام دستگاه اجرایی و ضابطه‌مند کردن و شفاف کردن آن.
- افزودن حکمی مبنی بر مجاز بودن دستگاه‌های اجرایی به واگذاری مالکیت فکری، دانش فنی و تجهیزاتی که در چارچوب قرارداد با دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی و فناوری دولتی ایجاد شده به دانشگاه‌ها و مؤسسات یاد شده.

حفاظت از دارایی‌های فکری به‌منظور تشویق پدیدآورندگان، مؤلفان، مخترعان و تجاری‌سازی آنها یکی از مهم‌ترین اقدامات در مسیر توسعه اقتصاد دانش بنیان محسوب می‌شود. از جمله شاخص‌های مهم حمایت از حقوق مالکیت فکری کشورها، میزان نسبت دریافت‌های ناشی از حقوق مالکیت فکری به کل تجارت خارجی است. سازمان جهانی مالکیت فکری، این نسبت برای ایران را در ۵ سال اخیر (۲۰۱۸-۲۰۲۲) صفر اعلام کرده است. در مقایسه با کشورهای همچون ژاپن ۵/۲، کره ۱/۲، چین ۰/۳، هند ۰/۲، روسیه ۰/۳، ترکیه ۰/۱ و امارات متحده عربی ۱/۱ درصد، وضعیت ایران در این شاخص مناسب نیست.

یکی از زیرساخت‌های مهم در کمک به تجاری‌سازی دارایی‌های فکری، علاوه بر استقرار صحیح نظام مالکیت فکری (بهبود کیفیت اختراعات ثبت شده و ارزش‌گذاری دارایی‌های فکری)، نحوه انتقال آنها به بخشی است که قابلیت تجاری کردن این نوع دارایی‌ها را داشته باشد. در این راستای سالیان گذشته احکامی همچون مجاز بودن دستگاه‌های اجرایی به واگذاری مالکیت فکری، دانش فنی و تجهیزاتی که در چارچوب قرارداد با دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی و فناوری دولتی ایجاد شده به دانشگاه‌ها و مؤسسات یاد شده (براساس برنامه پنجم و ششم توسعه) وضع شدند تا مسیر تجاری‌سازی دارایی‌های فکری را تسهیل نمایند. مجاز بودن دستگاه‌ها در اجرای این حکم و کند بودن دانشگاه‌های کشور در گذر از نسل‌های اول و دوم به نسل سوم به‌بعد دانشگاه‌ها با قابلیت ایجاد ارزش افزوده از دانش و کارآفرینی، باعث شد در ماده (۵) قانون جهش تولید دانش بنیان مصوب سال ۱۴۰۱، واگذاری تمام یا بخشی از دارایی‌های فکری و دستاوردهای پژوهشی دستگاه‌های اجرایی و دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی به بخش خصوصی (شرکت‌های دانش بنیان و فناوری، واحدهای صنعتی و اشخاص حقیقی) تحت ضوابطی مطرح شود. با این حال به نظر می‌رسد اجرای این حکم به دلایلی از جمله ابهام در فلسفه واگذاری‌ها و ایجاد انگیزه به‌ویژه برای دانشگاه‌ها (به‌عنوان نهادی که بیش از ۸۰ درصد قراردادهای تحقیقاتی دستگاه‌های اجرایی با آنها منعقد می‌شود)، تفسیرپذیری حکم و نبود ضمانت اجرایی با چالش زیادی مواجه باشد.

برخی کشورها مثل آمریکا و ژاپن قوانینی موسوم به بای-دال تدوین کردند که براساس آن، دریافت‌کنندگان پروژه‌های تحقیقاتی (دانشگاه و هیئت علمی عضو آن) می‌توانند مالکیت

سناریو ۲. تصحیح ماده (۵) قانون جهش تولید دانش بنیان:

متن پیشنهادی اصلاح ماده (۵) قانون جهش تولید دانش بنیان:

در راستای توسعه و انتشار فناوری و تسهیل تجاری سازی دستاوردهای پژوهشی دستگاه‌های اجرایی مجازند تمام یا بخشی از حقوق و دارایی‌های فکری خود را که در چارچوب قرارداد با دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی و فناوری دولتی ایجاد و حاصل شده است با رعایت شروط زیر به دانشگاه‌ها و مؤسسات یادشده واگذار نمایند:

الف) دانشگاه یا مؤسسه پژوهشی مکلف است ضمن ثبت دارایی‌های فکری در چارچوب قوانین مرتبط و تعیین سهم مالکان و پدیدآورندگان، جهت تجاری سازی آن، حقوق دارایی‌های فکری و بهره‌برداری از آن را شرکت‌های انشعابی پژوهشی و یا شرکت‌های دانش بنیانی که در آنها حداکثر ۴۹ درصد سهام دار است و با اولویت تولید داخل محصولات یا خدمات واگذار نماید.

تبصره ه- در صورت انحلال شرکت مذکور مالکیت دارایی فکری به دانشگاه بازگردانده می‌شود.

ب) پدیدآورندگان دارایی‌های فکری در دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی و وراث قانونی آنها مبتنی بر توافق نامه بین طرفین، در عوایدی که از دارایی‌های فکری ایجاد شده توسط آنها در شرکت‌های انشعابی پژوهشی و شرکت‌های دانش بنیان فوق‌الذکر نصیب دانشگاه می‌گردد سهمیم هستند.

تبصره ه- اجاره و به کارگیری دارایی‌ها، تجهیزات و امکانات مادی و دستگاه‌های اجرایی در مسیر تجاری سازی دستاوردهای پژوهشی و توسعه شرکت‌های انشعابی و افزایش منابع درآمدی آنها بلامانع است.

ج) حق دولت در استفاده از مجوزهای بهره‌برداری اجباری در بهره‌برداری از دارایی‌های فکری مذکور در چارچوب قوانین مرتبط محفوظ است.

د) در صورت انصراف دانشگاه یا مؤسسه پژوهشی در تصاحب مالکیت دارایی فکری و بهره‌برداری از آن، پس از گذشت بیش از دو سال از صدور گواهی نامه اختراع دستگاه اجرایی می‌تواند رأساً اقدام به ثبت و تجاری سازی آن با اولویت واگذاری تمام یا بخشی از حقوق دارایی فکری به شرکت انشعابی پژوهشی، یا شرکت دانش بنیان و یا واحد صنعتی و افراد حقیقی در چارچوب ضوابط مشخص نماید. آیین نامه اجرایی این ماده مشتمل بر الزامات و فرایندهای اجرایی ثبت دارایی فکری، ایجاد یا عقد قرارداد با شرکت‌های انشعابی، دانش بنیان، واحدهای صنعتی و افراد حقیقی و همچنین نحوه تسهیم عواید ناشی از تجاری سازی دارایی‌های فکری به پیشنهاد وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و معاونت علمی، فناوری و اقتصاد دانش بنیان ریاست جمهوری به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

شایان ذکر است که که دانشگاه‌های موفق در زمینه بهره‌برداری از دارایی‌های فکری خود از اصول و مقررات خاصی پیروی می‌کنند که از جمله آنها تعیین سهم مشارکت ذی‌نفعان، تعیین میزان تسهیم سود، تعیین دامنه دارایی فکری و ضوابط واگذاری تمام یا بخشی از آن و همچنین تقویت زیرساخت‌های مدیریتی دارایی‌های فکری در دانشگاه یا مؤسسه پژوهشی (از جمله دفاتر ارتباط با صنعت، دفاتر انتقال فناوری و کمیته‌های مالکیت فکری) است که در گزارش آتی با تفصیل بیشتری به آنها پرداخته خواهد شد.

منابع و مآخذ

- [۱] استاندارد حسابداری شماره ۱۷ (تجدید نظر شده ۱۳۸۶ سازمان حسابرسی).
- [۲] مرتضی براتی، علی نوروزی. ۱۳۹۲. آشنایی با مفهوم مالکیت صنعتی. مرکز پژوهش‌های مجلس. شماره مسلسل ۱۳۵۴۴.
- [۳] محمد هادی میرشمسی و مریم فرضی، ۱۳۹۷. تحلیل و نقد قانون بای-دال آمریکا در خصوص حقوق مالکیت فکری در تحقیقات تأمین مالی شده توسط بخش عمومی. فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، سال ششم، شماره بیست و چهارم.
- [۴] سید سروش قاضی نوری، ماندانا آزادگان مهر، ابوذر سبحانی. ۱۳۹۰. پیشنهاد سازوکار اجرایی تعیین تکلیف دارایی‌های فکری حاصل از تحقیق و توسعه با منابع دولتی و تسهیل تجاری سازی آنها (در اجرای تبصره «۲» ماده (۱۷) برنامه پنجم توسعه). مرکز پژوهش‌های مجلس. شماره مسلسل ۱۲۰۶۹.
- [5] Ajay Kumar Singh and Shah Nawaz Ashraf. 2019. Viability of Bayh-Dole Act of USA in Context of India: Critical Evidence from Review of Literature. JNNCE Journal of Engineering & Management (JJEM). Volume: 3, Number: 1
- [۶] غلامرضا ذاکر صالحی. ۱۳۹۳. نقش دانشگاه‌ها در توسعه و نهادینه شدن نظام حقوق مالکیت فکری. پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۱۸، شماره ۲.
- [۷] مرتضی براتی، ۱۳۹۳. ضرورت تأسیس سازمان ملی مالکیت صنعتی و ویژگی‌های آن. مرکز پژوهش‌های مجلس. شماره مسلسل ۱۳۵۸۹.
- [۸] قانون جهش تولید دانش بنیان. ۱۴۰۱
- [۹] آیین‌نامه اجرایی ماده (۵) قانون جهش تولید دانش بنیان. ۱۴۰۱.
- [۱۰] امیر محمد احمدی، عسگر سرمست، مهران فقوری، سهیلا خردمندی. ۱۴۰۱. چالش‌های کلیدی نظام ثبت اختراعات داخلی در راستای اجرای قانون مالکیت صنعتی. مرکز پژوهش‌های مجلس. شماره مسلسل ۱۸۳۷۷.



مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

تهران، خیابان پاسداران، روبروی پارک نیاوران (ضلع جنوبی، پلاک ۸۰۲)

تلفن: ۷۵۱۸۳۰۰۰ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۸۵۵ پست الکترونیک: mrc@majles.ir

وبسایت: rc@majles.ir